ادامه از صفحه اول

وقتی رستم عاشقی می‌کند

شـاه و بزرگان سمنگان به استقبالش شتافتند و در شـهر هر آنکه نامی و مقامی داشت به استقبال رستم آمد و رسـتم را خوشـامد گفتند؛ شاه پرسید چه کسی توان و جسارت آن را دارد که با جهان‌پهلوان به مقابله برخیزد و نیز افزود: «ما نیکخواه تو هسـتیم و گوش به فرمان تو ایستاده‌ایم که تن و ثروت و مکنت ما همه از آن توست». رستم چون سخنان شاه سمنگان را بشنید و در آن سخنان تأمل کرد، گمان بدش برطرف گردید و دانست که در ناپدیدشدن رخش، نقشی نداشته است. رستم به شاه سمنگان گفت که رخش او در این مرغزار، بی‌لگام و افسـار می‌چریـده و می‌چمیده کـه ربوده شده است و اگر بازیافته شـود، سپاسگزار خواهد شد. شاه سـمنگان گفت: «ای بزرگوار، کسی جسارت آن را ندارد که با تو بدین‌گونه رفتار کند، تو مهمان من باش و آزردگی به دل راه نده، همه کارها به کام تو خواهد شد. امشـب را به شادنوشی بنشین و دل را از هر اندیشه‌ای آزاد دار که درخشـش رخش مانع از آن می‌شود که از نگاه‌ها پنهان بماند و چون او اسبی در جهان نیست».

بدو گفت شـاه، ای سزاوار مرد/ نیارد کسی با تو این کار کرد / تو مهمان من بـاش و تندی مکن/ به کام تو گردد سراسر سخن / یک امشب به می شاد داریم دل/ وز اندیشـه آزاد داریم دل/ نماند پی رخش فرخ نهان/ چنان باره نامدار جهان

تهمتن با شنیدن سخنان او شـاد شده، آرام گرفت و از هر اندیشـه آزاردهنده‌ای آسـوده شد، پس سزاوار دیـد به خانه او برود و با این نوید، با دلی شـاد مهمان او شد. شـاه در کاخ خود جایی شایسته برای رستم در نظر گرفت و تا دیرهنگام شب در خدمت رستم بایستاد و بزرگان شـهری و لشکری نیز به حضور رستم رسیده، او را خوشـامد گفتند و آن شب را با ساز و می تا دیرگاه شب بنشستند و سیه‌چشمان گلرخ و بتان طراز، می در جام‌ها کردند و چون مسـت شد، خواب به چشمانش راه یافت، پس خواستار جای خواب و آرام شد و شاه او را تا خوابگاهش همراهی کرد.

چون پاسی از شب بگذشـت و ستاره صبحگاهی بر چرخ گردون ظاهر شـد، در خوابگاه رستم به نرمی گشـوده شـد و آوایی را بشـنید که گویی کسی به راز سـخن می‌گوید. رستم که پیوسته هشیار می‌خوابید، با گشوده‌شدن در چشم گشـود و مشاهده کرد دخترکی شمعی خوشبو به دست دارد و در پی او ماهرویی گام به خوابگاه گذاشـت که در تاریکی شب چون خورشید تابـان می‌درخشـید و پر از رنگ‌وبوی بود و رسـتم در روشـنای شمع، آن چهره خورشـیدوش را بدید که دو ابروی کمان و دو گیسـوی کمند داشـت و قامتش به بلندای سرو و به گونه‌ای متناسب با دیگر اندامش بود. آن‌چنان فرشته‌وش و فرشته‌خوی بود که گویی از خاک بهره‌ای نگرفته است.

چو یک بهره از تیره شـب درگذشـت/ شباهنگ بر چرخ گردان بگشـت / سـخن‌گفتن آمد نهفته به راز/ در خوابگه نرم کردند باز / یکی بنده شـمعی معنبر به دسـت/ خرامان بیامد به بالینِ مسـت/ پس پرده اندر یکی ماه‌روی/ چو خورشید تابان پر از رنگ‌وبوی

رسـتم از آن همه زیبایی خیره بمانـد و با دیدن او جهان‌آفریـن را سـتایش‌ها کرد و از او پرسـید نامش چیسـت و در این شـب تیره چه می‌جویـد. آن دختر زیباروی پاسـخ داد که تهمینه نام دارد و از آرزو دلش دو نیمه گشـته است و افزود که دخت شاه سمنگان و از پشـت دلیران و پهلوانان است و در این گیتی جفتی ندارد و تاکنون کسـی آوای او را نشـنیده است و چون درباره رسـتم و پهلوانی‌های او بسیار شنیده و می‌داند که رستم پهلوانی اسـت که دیو و دد و نهنگ و پلنگ همه از او بیم دارند، دل در گرو او سـپرده اسـت، زیرا رستم را مرد افسانه‌های خویش می‌داند و آن‌گونه که شنیده است، آن یل پیلتن را به دل بیمی از هیچ‌کس و هیچ‌چیز نیسـت و در میدان نبرد هیچ پهلوانی را توان مقابله با او نیسـت و اگر همین امشـب او را بخواهد، دریغ نخواهد کرد و آرزویش این است که از او صاحب پسـری شود تا پهلوانی چون خود او به دنیا آید. رستم چون سخنان آن هوروش را بشنید، شادمان شد و چون سروی آزاد شـد ولی خویشتن‌داری کرده، فرمان داد تا موبـدی پرهنر و آگاه بیاید و او را از پدرش خواسـتاری کند و چون شـاه از درخواست رستم آگاه شد، شادمانه پذیرای پیشنهاد او شد و رستم به شیوه‌ای به‌آیین با آن دختر پیمان زناشویی بست و شاه سمنگان دختر خویش را به گو پیلتن سپرد و خاندان شاه شادی‌ها کردند و به پای آنان زر افشاندند و پهلوان را آفرین کردند و گفتند: «این ماه نو بر تو فرخنده باشد و سر بداندیشانت بر خاک افکنده». روز دیگر چون خورشید تابان نیزه‌های نور را بر سمنگان رها کرد، رستم مهره‌ای را که به بازو داشت و در جهان شهره بود، به تهمینه داد و گفت: «این مهره را داشته باش و اگر روزگار دختری به ما ارزانی داشت، آن را به نشانه نیک‌اختری به گیسوی او ببند و و اگر تقدیر پسری را رقم زد، به‌عنوان نشان پدر بر بازوی او ببند که می‌دانم چون تهمینه پسری آورد، به بالای سام نریمان خواهد بود و خلق‌وخوی کریمان را خواهد داشت». و چون خورشید رخشنده زمین را به مهر بیاراست، رستم همسـر خویش را به آغوش کشیده، با او بدرود گفت و بسـیار بر چشم و سر او بوسه زد و آن پریچهر، گریان از او جدا شد و دل به اندوه سپرد. در این هنگام به رستم مژده دادند کـه رخش را یافته‌اند و دل گو پیلتن از این سخن بسیار شاد شد، او را نوازش‌ها داد و رخش نیز با دیدن رستم شادی‌ها کرد.

چو خورشـید تابـان ز چرخ بلند/ همی خواسـت افکند رخشان کمند/ به بازوی رستم یکی مهره بود/ که آن مهره اندر جهان شـهره بود / بدو داد و گفتش که این را بدار/ اگر دختر آمد تو را روزگار / بگیر و به گیسوی او بر بدوز/ به نیک‌اختر و فال گیتی فروز / ور ایدونک آید ز اختر پسر/ ببندش به بازو نشان پدر

نگاهی به زندگی سیاسی علی لاریجانی

این روزهای آقای همیشه رئیس

علـی لاریجانـی؛ دو ماه پیش برای آخرین بار از صندلی سـبز ریاسـت پارلمان بلند شد و فعلا حضور کمتری در دنیای سیاست خواهد داشت. علی اردشـیرلاریجانی ۶۳ساله، ریاضی و فلسـفه خوانده، مرتب و خوش‌لباس اسـت و بذله‌گو. آیت‌الله‌زاده است و با خانواده بزرگی وصلت کرده. بعد از پیروزی انقلاب، در پسـت‌های مختلفی حضور داشـته و در دنیای سیاست، اصولگرایی را برگزیده و هم سمت انتخابی در کارنامه دارد و هم انتصابی.

دهه ۶۰

سـال ۶۰، لاریجانی ۲۴سـاله بود که رئیس واحد مرکزی خبر شد و یک سـال بعد، در دوران جنگ، به سـپاه پیوسـت. چهار سـال بعد، او معاون حقوقی و امور مجلس وزارت سـپاه شد و از سال ۶۸ تا ۷۱، جانشینی رئیس ستاد مشترک سپاه پاسداران را بر عهده داشت.

دهه ۷۰

دهه ۷۰ که شـد، لبـاس نظامی از تن درآورد و به قوه مجریه پیوسـت. سـال ۷۱ که محمد خاتمی از وزارت ارشـاد اسـتعفا داد، مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسـنجانی، لاریجانی را به‌جای خاتمی بـه مجلس معرفی کرد. وزارت علی لاریجانی یک‌سـاله شـده بود که با حکم مقام معظم رهبری، به ریاسـت سازمان صداوسـیما منصوب شد. دوران ریاسـت او بر رادیو و تلویزیون ایران، مصاف شـد با دوم خرداد و حضـور اصلاح‌طلبان در رأس قوه مجریه و مقننه. لاریجانی اما روی خوشـی به آنان نشـان نمی‌داد و در برخی مواقع مانند پخش فیلم کنفرانس برلین و برنامه «چراغ» و «هویت»، برای برخی چهره‌های اصلاح‌طلب دردسر نیز درست می‌کرد. اصلاح‌طلبان نیز با روزنامه‌های خود، جور خبرهای یک‌طرفه صداوسـیما را می‌کشیدند و رسانه‌های آنان تبدیل به رقیب جدی رسانه ملی شده بود. لاریجانی البته در ۱۰ سال ریاست خود، تلویزیون ایران را از لحاظ فنی و ساعات پخش دگرگون کرد؛ کاری که رؤسـای بعد از او توان آن را نداشتند و قافیه را به شبکه‌های ماهواره‌ای باختند.

دهه ۸۰

علی لاریجانی دهه ۸۰، به واسـطه ریاسـت بر صداوسیما، به چهره‌ای مشهور تبدیل شده بود. او عزم خود را جزم کرد که بار دیگر به دولت برگردد و این بار سـودای ریاست‌جمهوری را در سر داشت. سال ۸۴، محمد خاتمی باید صندلی ریاست‌جمهوری را تحویل می‌داد و لاریجانی فرصت را غنیمت

شـمرد تا یک بار دیگر در جای خاتمی بنشـیند. او باید با رئیس سابق خود، یعنی مرحوم هاشـمی، رقابت می‌کرد؛ امـا در نهایت هر دو آنها بازی را به محمود احمدی‌نژاد واگذار کردند؛ هاشمی دوم شد و لاریجانی ششم.

حضور در دولت برای لاریجانی با انتخابات به پایان نرسید؛ او که از سال ۸۳ به‌عنوان نماینده مقام معظم رهبری در شورای عالی امنیت ملی حضور داشـت، دو ماه بعد از اینکه احمدی‌نژاد دولت را در دست گرفت، به‌عنوان دبیر این شورا منصوب شد تا به‌جای حسن روحانی، ماجرای پرونده هسته‌ای ایـران را دنبال کند؛ اما در نهایت نتوانسـت با احمدی‌نـژاد همکاری کند و در سـال ۸۶ اسـتعفا داد. لاریجانی بعدها در یک برنامـه تلویزیونی درباره این اختـلاف گفت: «من حس می‌کردم یک نوع اختـلاف جدی مدیریتی با آقای احمدی‌نژاد دارم. مسـائل اسـتراتژیک کشور باید با تأنی و حساب‌شده پیش برود و احتیاج دارد همه بخش‌های مختلف هم‌گرایی داشـته باشد. کارهای لحظه‌ای نمی‌تواند صدق کند و برای کشور مشکلاتی ایجاد می‌کند. تا مدتی تحمـل بود و بحث می‌کردیم؛ اما از یـک زمانی به بعد، من دیدم به‌هرحال ایشـان رئیس‌جمهور است و حق دارد و لزومی ندارد بنده مزاحم ایشان باشـم و نمی‌خواستم حضوری تحمیلی داشته باشم. در واقع سطح من این نبود».

دهـه ۸۰ برای او به اینجا نیز ختم نشـد و در سـال ۸۷، برای نمایندگی در قوه مقننه کاندیدای مجلس هشـتم شـد. لاریجانی برخلاف چهره‌های شـاخص سیاسـی که از تهران بـرای مجلس نامزد می‌شـوند، قم را برای رسـیدن به بهارسـتان انتخاب کرد؛ شـهری که حتی میانه‌روهـا نیز برای انتخاب‌شـدن شانسـی ندارند و معمولا فهرسـت سـنتی‌ها را به مجلس می‌فرسـتد. بااین‌حال، نه‌تنها لاریجانی به مجلس راه یافت، بلکه به‌عنوان رئیس مجلس در صدر نشسـت. او اولین فردی اسـت که از شـهری به‌جز تهران به ریاست پارلمان رسیده است.

دهه ۹۰

لاریجانـی در مجلـس نهم نیز همچنـان رئیس مانـد و رویارویی او با شـخص احمدی‌نژاد در جلسـه اسـتیضاح وزیر کار در تاریخ مجلس باقی خواهد ماند؛ اما اتفاق مهم‌تر در روز دیگری رخ داد؛ مهر سـال ۹۴ حسـن روحانی رئیس‌جمهور بود و «برجام» مهم‌ترین دغدغه کشور و مجلس باید آن را تصویب می‌کرد. جبهه پایداری که از رقبای سرسـخت او و دولت و از مخالفان دوآتشـه برجام بودند، تلاش بسیار کردند که برجام تصویب نشود؛ اما این معاهده در کمتر از ۲۰ دقیقه در صحن مجلس تصویب شـد و نقش علی لاریجانی در تصویب آن کم نبود؛ هرچند سـال بعد و در مجلس دهم، نمایندگان مخالف برجام، ایـن معاهده را جلوی روی لاریجانی آتش زدند. شروع مجلس دهم برای لاریجانی شـروع دیگری بود؛ «فهرست امید» که به اصلاح‌طلبان نزدیک بودند، او را در فهرسـت خود قرار دادند تا دوباره از قـم به مجلس بیاید. اصلاح‌طلبان محمدرضا عـارف را به‌عنوان کاندیدای ریاسـت مجلس در نظر داشـتند؛ اما در نهایت باز ایـن لاریجانی بود که به ریاسـت مجلس رسـید. او که دیگر از اعتدالیون سیاسـت ایران محسوب می‌شـود، در انتخابات مجلس یازدهم که اسفند سـال گذشته برگزار شد، نامزد نشد تا به ۱۲ سال ریاستش بر مجلس پایان دهد.

قرن جدید

با آغاز سـال ۱۴۰۰، دوره ریاست هشت‌ساله حسن روحانی در پاستور نیز به پایان می‌رسـد. از علی لاریجانی به‌عنوان یکـی از نامزدهای این پسـت یاد می‌شود؛ هرچند او تا الان درباره آن اظهارنظر صریحی نکرده اسـت. لاریجانی در چند سال اخیر توانسـته خود را به سیاست‌مداری میانـه‌رو تبدیل کند و اگـر برخی گروه‌های اصلاح‌طلـب دل به ائتلاف بسـته باشـند، علی لاریجانی برای آنهـا می‌تواند گزینه مناسـبی برای ریاست‌جمهوری باشـد. باید منتظر ماند و دید آیا ستاره بخت لاریجانی در قرن تازه نیز خواهد درخشید.

مشاور علی لاریجانی در گفت‌وگو با «شرق» تشریح کرد

نقش علی لاریجانی در قرارداد ۲۵ساله ایران و چین

شـرق: منصور حقیقت‌پور، مشـاور رئیس پیشـین مجلـس، درباره وضعیت سیاسـی علـی لاریجانی به «شـرق» گفت: «علی لاریجانی یک سرمایه بزرگ برای نظام است. او دارای پختگی لازم در استراتژی و اجراست و به‌هیچ‌وجه تک‌بعدی نیسـت. آقای لاریجانی هم کار اجرائی کرده اسـت و هم کار امنیتـی و هم فرهنگی و درعین‌حال یک شـخصیت کاملا علمی است. در ابعاد جهانی هم شناخته‌شده است و اگر به کشوری سفر کند، فقط شخصیت‌هایی در حد رئیس‌جمهور آن کشور با او می‌توانند دیدار کنند. به خاطر دارم که سـفری با ایشان به تونس برای رونمایی از قانون اساسی جدید این کشور داشـتیم. رئیس‌جمهور موقت تونس وقتـی با او دیدار کرد، گفت که من سال‌هاست شما را می‌شناسم و تمام مذاکراتـی که با اتحادیه اروپا داشـتید زمانی که رئیس شـورای امنیت ملی ایـران بودید، پیگیـری می‌کردم». او ادامـه داد: «آقای لاریجانی علاوه بر اینها به مسـائل داخلی کشور هم تسلط بسـیار خوبی دارد و مشکلات را می‌شناسـد و برای حـل آنها راهـکار دارد. او دارای تیم اسـت؛ یعنی اگر بخواهد مجموعه مسائل امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مدیریت کند، افرادی را برای مسـئولیت‌های مختلف می‌گمارد که از شایسـتگی لازم برخوردارنـد. با چنیـن توانمندی‌ای او کاملا در حوزه‌های مختلف راهبرد دارد. از سـویی آقای لاریجانی مورد وثوق نیروهای سیاسـی و مذهبی است. خاطرم هسـت وقتی به نجف رفته بـود، مراجع نجف بـه او احترام ویژه‌ای می‌گذاشـتند و مراجع عزیزمان در قم هم با او همین‌طور رفتار می‌کنند و همیشـه احترام او را داشـته‌اند. اکنون هم که مقـام معظم رهبری او را به سِمت مشاور خود و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظـام منصـوب کرده‌انـد». حقیقت‌پور دربـاره نقش لاریجانـی در قرارداد ۲۵سـاله ایـران و چین هم گفت: «آقای لاریجانـی علاوه بر موارد فـوق نقش ویژه‌ای در قـرارداد راهبردی ایران و چین دارد و او برای پیگیری این قرارداد مهم، مدنظر رهبر انقلاب بود تا بتواند مناسـبات ایـران و چین را در این قـرارداد مدیریت کند تا سـندی اجرائـی و عملیاتی به ثمر بنشـیند. او فـردی مطمئن نزد رهبر انقلاب اسـت». او درباره جایگاه سیاسی علی لاریجانی میان نیروهای سیاسـی موجود در کشـور هم اظهار کرد: «علی لاریحانی یک نیروی اصولگرای منطقی و معتدل است و نمی‌توان تندی و افراط در رفتار و منش او دید و همواره کوشـیده است که عاقلانه عمل کند؛ به همین دلیل اسـت که جریان‌هـای مختلف به او احترام می‌گذارند و می‌بینیم کـه اصلاح‌طلبان هم احترام او را دارنـد و به او به‌عنوان یک ظرفیـت ملی نگاه می‌کنند. البته دیگر او را نمی‌توان منحصر در یک جریان دانست؛ زیرا به یک نیروی فراجناحی تبدیل شده است و می‌توان گفت که او نه اصولگرا و نه اصلاح‌طلب؛ بلکه یک نیروی انقلابی است». حقیقت‌پور در پاسخ به این پرسش که اگر لاریجانی انقلابی است، چرا نیروهای مدعی انقلابی‌گری در مجلـس کنونی، به‌ویژه نماینـدگان نزدیک به جبهه پایداری همیشـه با او زاویه‌های جدی داشته‌اند، یادآور شـد: «انقلابی‌گری تعریـف مشـخصی دارد و معلوم است چه کسـی انقلابی است و چه کسی اقداماتش به منافع انقلاب لطمه می‌زند. خیلی‌ها هسـتند که ادعای انقلابی‌بودن دارنـد؛ اما اتفاقا بیـش از همه به انقلاب آسیب می‌رسـانند. شخص رهبری یک انقلابی تمام‌عیار است که می‌شود از ایشان الگو گرفت. این‌طور نیست که افرادی در مجلس بگویند انقلابی هستیم؛ اما هر تهمتی که می‌خواهند، به هر شـخصیتی بزنند یا بر سر هر مقام و مسئولی فریاد بزنند. انقلابی‌بودن به معنای ضدقانون رفتارکردن و اتهام‌زنی نیست؛ بنابراین آنهایی که به آقای لاریجانی می‌گویند انقلابی نیستی، در وهله نخست بروند انقلابی‌بودن خودشـان را ثابت کنند». مشاور لاریجانی کارهایـی را که اکنون علـی لاریجانی انجـام می‌دهد، هـم این‌گونه روایت کـرد: «او اکنون مشـغول مطالعه و جمع‌بندی گذشـته است و به‌شـدت در فکر انقلاب و کشور است و از مشـکلات موجود بسیار ناراحت است. آقای لاریجانی به طور دقیق آنچه را در مجلس می‌گذرد، پیگیری و نقاط مثبت و منفی مجلس را با دقت خاصی ارزیابی می‌کند». او در پایان در پاسـخ به پرسشـی دیگر مبنـی بر اینکه آیا علـی لاریجانـی را می‌توانیم یکی از نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ بدانیم یا نه، گفت: «تردیدی نیسـت که او استعداد و ظرفیت لازم برای ریاسـت‌جمهوری را دارد؛ اما باید دید اقبال جامعه چگونه خواهد بود. آقای لاریجانی یک استراتژ و مجری کم‌نظیر است؛ یعنی هم خوب استراتژی تبیین می‌کند و هم قـدرت بالایی در حوزه اجـرا دارد. با چنین اوصافی شـکی نیسـت که از هر نظر قابلیت ریاست‌جمهوری را دارد؛ اما باید صبر کرد و دید که چه اتفاقاتی تا سال آینده رخ خواهد داد».

بیستم مرداد پایان استجازه آیت‌الله آملی از مقام معظم رهبری

انتخاب رئیسی چیست!؟

شـرق: بیستم مردادماه زمان دوسـاله برپایی محاکم ویژه اقتصادی که با کسب استجازه از مقام معظم رهبری برقرار شدند به پایان می‌رسد و اکنون سؤال مهم این است آیا رئیس قوه قضائیه راه رئیس پیشین را خواهد رفت و درخواسـت تمدید اسـتجازه را مطرح خواهد کرد یا مسیر جدیدی برای مقابله و برخورد با مفاسد اقتصادی در پیش خواهد گرفت؟

در همین رابطه دکتر محسـن برهانی حقوقدان در یادداشـتی که در ایسـنا منتشر شده نوشته است:« ریاست پیشـین قوه قضائیه در واپسین ریاست خویش بر دستگاه قضا در بیستم مردادماه ۱۳۹۷، طی نامه‌ای به مقام معظم رهبری از ایشـان اجازه گرفت که با توجه به جنگ اقتصادی موجود و ضرورت برخورد قاطع و سـریع با برخی از مفاسـد اقتصادی، بسـیاری از قواعد آیین دادرسی کیفری در تحقیق و محاکمه این دسته از متهمان و محکومان کنار گذاشته شـود. رویکرد مقام معظم رهبری در برخورد با تقاضای مدیران ارشد نظام، نوعا ورود موضوعی و مصداقی در مورد تقاضا نیست بلکه با اعتماد به مدیران، شناخت ضرورت و مصلحت توسـط این مدیران را قبول می‌نمایند و لذا مسـئولیت اینگونه تقاضاها متوجه مدیران است و نه رأس هرم نظام. در این استجازه نیز، چنین امری واقع شد و معظّم له با تقاضای رئیس قوه وقت قضائیه موافقت کردند و بسیاری از مواد قانون آیین دادرسی کیفری یا کنار گذاشته شد یا محدود گردید. در گام نخسـت باید از آقای آملی لاریجانی سـؤال کرد که ایشان براسـاس کدامین کار کارشناسی چنین مصلحت و ضرورتی را تشخیص دادند؟ امور کارشناسی اموری سـرّی و ماورائی و مگو نیستند. با قضات برجسـته دیوان عالی کشور مشورت شـد؟ یا نظر مشورتی حقوقدانان و وکلای برجسـته و باتجربه گرفته شد؟ با توصیه کدامین مرکز پژوهشی یا کدامین گروه مشاورین، و مبتنی بر کدامین تشخیص تخصصی، این تقاضا مطرح گردید؟» همچنین در بخش دیگر این یادداشت آمده است: «مقام معظم رهبری در پاسخ به استجازه رئیس پیشین قوه قضائیه سه جمله نگاشـتند: «با پیشنهاد موافقت می‌شـود. مقصود آن است که مجازات مفسـدان اقتصادی سـریع و عادلانه انجام گیرد. درمـورد اتقان احکام دادگاه‌ها دقت لازم را توصیه فرمایید». سه کلمه کلیدی در پاسخ ایشان وجود دارد: سرعت، عدالت و اتقان. به نظر می‌رسد که آسیب به هریک از این موارد سه‌گانه، باعث تزلزل در مبنای شرعی رأی صادره است چراکه خروج از حیطه اذن رهبری است و بایستی این رأی دوباره مورد رسیدگی قرار گیرد. از میان این سه کلیدواژه، واژه «سرعت» فی‌الجمله تحقق یافته است و سرعت رسیدگی به برخی پرونده‌ها بالاست هرچند در همین مورد نیز با پرونده‌هایی مواجه هسـتیم که ماه‌ها بلکه نزدیک به دو سال است که متهمان آنها در بازداشت موقت هستند و هنوز حکم قطعی در مورد ایشان صادر نشده است!! یعنی درخصوص سرعت هم فیه ما فیه!»

هرچند از ابتدا انتقاداتی به نحوه اجرای محاکم ویژه اقتصادی مطرح بود اما با گذشت ۲ سال بررسـی نتایج برپایی این محاکم می‌تواند تأثیر مثبتی در تصمیم بر ادامه یا عدم ادامه فعالیت این محاکم داشته باشد.

در همیـن رابطـه پیمان حـاج محمود عطـار، حقوقـدان و وکیل دادگسـتری در گفت‌وگو با «شـرق» با بیان این جمله که «یک‌سـری از حقوق بشر جزء حقوق بنیادین بشری است.

وی ادامه داد: افزون بر این اصل کلی که بالا عرض شد و همه فعالان حقوق بشری و فلاسـفه حقوق به آن معتقدند باید به اعلامیه جهانی حقوق بشـر و دو میثـاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسـی و حقوق اقتصادی و اجتماعی که ایران به آنها پیوسـته اسـت و قوه مقننه ایران بـا تصویب این دو میثـاق به عنوان قانون پایینـدی حاکمیت را با مفاد آنها تأیید کرده‌اند، نیز اشـاره داشـت.در ادامه فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به یک‌سری حقوق بنیادین بشری پرداخته است و در فصل سـوم تحت عنوان حقوق ملت این اصول تدوین شده‌اند. این وکیل دادگسـتری خاطرنشان کرد: به دنبال آن در سال ۱۳۹۲ قانون آیین دادرسـی کیفری در ۷ مـاده اولیه خود به اصول دادرسـی منصفانه و رعایت قانون حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ مجلس تأکید کرده است.این حقوق بنیادین بشری و اصول دادرسی منصفانه عبارتند از لزوم دومرحله‌ای‌بودن دادرسی اعم از دادرسی کیفری و دادرسی مدنی، لزوم اختیار داشتن متهم و شاکی در گرفتن وکیل مورد نظر خود، لزوم اعتراض به تصمیمات مرجع قضائی و سایر اصول مربوطه.

همـه این اصول و حقوق بنیادین هـم در میثاق‌های بین‌المللی که ایران به آنها پیوسـته است و هم در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسـلامی و هم در قوانین عادی پیش‌بینی شده است و نمی‌توان آنها را نادیده انگاشت.

در استجازه‌ای که رئیس پیشـین قوه قضائیه از محضر رهبر معظم انقـلاب دریافت نمودنـد برخی از این حقوق قانونی شـاکی و متهم از آنان سلب شـده بود و اصول دادرسی منصفانه و اصول قانون اساسی و مقـررات آیین دادرسـی کیفری که همگی آمره و لازم‌الاجرا هسـتند نادیده گرفته شـد. از جمله تبدیل اصل لزوم دومرحله‌ای‌کردن دادرسی به یک‌مرحله‌ای‌کردن به جز مجازات اعدام و سلب حق اعتراض متهم نسـبت به احکام صادره، همچنین محدودکردن اختیار وکیل به وکلای موضوع تبصره ماده ۴۸ آیین دادرسـی کیفری که آن تبصره نیز برخلاف حقوق بنیادین بشر و میثاق‌های بین‌المللی بوده است.

این حقوقدان در ادامه در پاسـخ به این پرسش که «آیا محاکمی که با این اسـتجازه تشکیل شدند در بازپس‌گیری بیت‌المال و بازدارندگی در تکرار جرم و کاهش تخلفات اقتصادی موفق بوده‌اند یا خیر» گفت:

صرف‌نظـر از اینکـه خروجی تشـکیل و برگـزاری دادگاه‌های ویژه اسـتجازه آیا به نفع بیت‌المال و نظام اسلامی و مردم بوده است یا خیر، اصل بر این اسـت همه مردم اعم از دولت‌مردان قوای سه‌گانه حاکمه و شـهروندان عادی در انجام تکالیـف و وظایف خویش از اصول قانون اساسـی و قوانین عادی قوه مقننه تبعیت و تمکین کنند. وی تأکید کرد: اگر در دستخط مبارک مقام معظم رهبری در موافقت با استجازه سابق قوه قضائیه نیز تأمل نماییم ایشان موافقت خود را با تشکیل دادگاه‌های ویژه منوط بـه رعایت قوانین آمره کرده‌اند. اکنـون با توجه به اینکه در فرمان انتصاب آیت‌الله رئیسی به سمت ریاست قوه قضائیه از سوی مقام معظم رهبری به ایشان تکلیف شده است که در دوران تصدی این سمت باید رعایت قوانین در دستگاه قضائی سرلوحه وظایف رئیس محترم قوه قضائیه شود و با توجه به تبعاتی که در نقض حقوق شهروندی برخی از شاکیان و متهمان در این محاکم ویژه مشاهده شده است و تأکید بر اینکه نظام مقدس جمهوری اسـلامی ایران دارای قوانین و مقررات مترقی و مطابق با اصول بین‌المللی حقوق بشـری است به نظر می‌رسد ریاست محترم قوه قضائیه با تمدید متن استجازه موافقت نفرمایند و در راستای تحقق منویات مقام معظم رهبری اصول قانون اساسی و قانون مجازات اسـلامی و آیین دادرسی کیفری و سـایر قوانین مدون را ملاک و مبنای دادرسی دادگاه‌های جرایم اقتصادی قرار بدهند.

براسـاس این گزارش باید تأکید شـود برخورد قاطـع با مجرمان به خصوص مجرمان اقتصادی و دارای نفوذ اصل غیر قابل انکار اسـت و تلاش دسـتگاه قضا در این مسیر غیرقابل چشم‌پوشی است. به روزهای پایانی مدت استجازه برای برپایی محاکم ویژه اقتصادی نزدیک می‌شویم و باید دید قاضی‌القضات می‌خواهد به روش رئیس پیشـین عمل کند یا برنامه جدیدی برای محاکمه مفسدان اقتصادی دارد.

روزنه

دستور قالیباف به کمیسیون آموزش

فرمانده یا رئیس پارلمان؟

● «بسـیاری از دانش‌آموزان عزیـز داوطلب کنکور و خانواده‌هـای محترم آنان، نگـران پیامدهای برگزاری آزمون سراسـری در شرایط فعلی هستند. از کمیسیون آموزش و تحقیقات خواسـتم به فوریـت و به دقت، ابعاد مختلـف این موضوع را بـا حضور متخصصان بررسی کنند و در صورت لزوم آن را از مراجع ذی‌صلاح پیگیری کننـد». این توییت محمدباقر قالیباف اسـت، شاید این برای نخستین بار است که شنیده می‌شود یک نماینده به نمایندگان دیگر دسـتور می‌دهد درباره چه چیزی طرح دهند! روزنامه «شرق» پیش‌تر در یادداشتی به قلم امیر پسـنده‌پور پیش‌بینی کـرده بود که چون سـال‌ها فرمانده و شـهردار بوده، احتمالا فکر می‌کند مجلس را کـه جایگاهی تقنینـی دارد، هم می‌تواند به شـیوه دسـتوری اداره کند. به نظر می‌رسـد طولی نکشیده که پیش‌بینی‌ها درسـت از آب درآمده است. درحالی‌که طبق قانون رئیـس قوه مقننه فقط رئیس شـکلی مجلس اسـت، از همان حق رأیی برخوردار است که دیگر نمایندگان برخوردارند و رئیس جلسات و نقشـش اداره‌کردن است، نه ریاسـت بر نمایندگان، رئیـس مجلس رابطـه طولی با نماینـدگان ندارد که چیزی را دستور بدهد و دیگر نمایندگان اطاعت کنند و بله بگویند؛ بلکه به لحاظ قانونی هم‌عرض آنهاست. نمایندگان بر مبنای تخصص و کمیسیونی که عضو آن هستند، خودشان در ارائه طرح‌ها و بررسی لوایح دولت آزادند و تصویب‌شـدن یا نشدن آن هم به رأی اکثریت بسـتگی دارد، نه خواسـت رئیس مجلس! «شـرق» پیش‌تر نوشته بود: «آمدن قالیباف به مجلس هم برای رسـیدن به پاستور بوده و حتی رئیس قوه مقننه شدن او نیز دسـت‌گرمی برای رسیدن به ریاست قوه مجریه اسـت؛ اما اگر واقعـا او همچنان قصد پاسـتور کرده باشـد، حضورش در قامت یک رئیس مجلس برایش شمشیری دودَم خواهد بود. مهم‌ترین دلیل آن، تفاوت در ذات وظایـف رئیس مجلس بـا یک رئیس اجرائی مانند شـهردار یا فرمانـده نظامی اسـت. قالیباف در عرصه نظامی-انتظامی یا شـهرداری سال‌ها در نقش یک مدیر دستوردهنده ظاهر شده؛ ولی ریاست مجلس جایگاهی تعاملی- مدیریتی است، نه دستوری. نشستن بر صندلی بالاتر فقط برای اداره بهتر جلسـه اسـت، نـه به معنای ریاسـت بر جلوس‌کنندگان. مشـخص نیست که فرمانده سـابق اگر روزی همانند لاریجانی، از سوی همکاران و نه زیردستانش، «دیکتاتور» خطاب شـود، آیا ظرفیت مواجهه با چنین موقعیتی را دارد؟ از سـویی دیگـر، مجلـس جایگاهی تقنینـی دارد و مانند شـهرداری یا ناجا نیست که با تعویض ناوگان یا عملیات‌های عمرانی عظیـم، خروجی ملموس قابل رؤیـت با تأثیر زودهنگام داشـته باشـد؛ پس ظرفیت مجلس به‌هیچ‌عنوان هم‌راستا با استعدادهای قالیباف، معروف به یک «مدیر جهادی» نیسـت...». حالا کم‌کم نقاط ضعف قالیباف در اداره مجلس نمایان می‌شود. همان روزی که ظریف به مجلس آمده بود و مخاطب رفتار ناخوشایند مجلسـیان قرار گرفت، مشخص بود که قالیباف هرچـه هم تلاش می‌کرد، نمی‌توانسـت دیگران را به سـکوت و آرامش وادارد. این را مقایسـه کنید با نحوه اداره جلسـه از سـوی علـی لاریجانی. «مهدی آیتی»، نماینده سـابق مجلس، در واکنش به برخوردهای مجلسـیان با وزرای دولت به‌ویژه ظریف گفته بود: «این انتقاد به شخص قالیباف وارد است که مجلس را به‌خوبی مدیریت نکرد و جلوی تندروی‌ها، توهین‌هـا و بداخلاقی‌هـا را نگرفت؛ حتـی به‌نوعی خودش هـم از این رفتـار نماینـدگان حمایت کرد و حرف‌های آنها را تأیید کـرد. در نتیجه رئیس مجلس که باید الگو و سرمشق مجلس باشد، در قضیه برخورد بـا ظریف، برخورد اخلاقی نکـرد. در ماجرای بذرپاش هم به‌نوعی قالیباف و هیئت‌رئیسـه از سوی بخشی از اصولگرایـان زیر تیغ قرار گرفته اسـت. الیاس نادران، هیئت‌رئیسـه و به‌نوعی شـخص قالیباف را متهم به قانون‌شکنی کرده است. این در حالی است که قالیباف در مراسم معارفه بذرپاش کاملا این انتخاب را قانونی دانست. از سویی دیگر قالیباف زیر فشار مطالبه حامیان و طیف جوانـان اصولگرایی هم قرار دارد که آنها هم با درک نادرسـت از جایگاه رئیس مجلس، از او انتظار شـق‌القمر دارند. شاید همین باعث شود او گاه دست به رفتارهایی عجولانـه و غیرمرتبط با جایگاه واقعی خودش بزند؛ مانند همان توییتی که حامل دستورش به جمعی از نمایندگان بود. چندی‌قبل دو گروه؛ یکی بسیج دانشـجویان و دیگری اتحادیه جامعه اسلامی دانشـجویان به او نامه نوشـته و درخواست اقدامات عاجـل کرده بودند. یا درباره یک انتخاب به او مواردی را متذکر شده بودند. جمعی از دفاتر بسیج دانشجویی در دانشگاه‌های کشور در نامه‌ای به محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، بر لزوم اقدامات فوری و خـارج از نوبت مجلس برای حل مشـکلات تأکید کرده بودند. اتحادیه جامعه اسـلامی دانشجویان هم خطاب به قالیباف درباره دیوان محاسـبات نوشته بود که انتخاب ریاست دیوان محاسبات نباید محلی برای منازعه احزاب سیاسـی باشـد. در انتها هم خ